سرمقاله

۲۰۲۵؛ آینه‌ای از جهانی در حال گذار

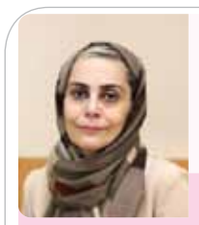

عاطفه خسروی
مدیر مسئول

سال ۲۰۲۵ میلادی سالی بود که با انباشت بحران‌ها، تصمیم‌ها و تردیدها در حافظه جهان ثبت شد و نشان داد نظم بین‌المللی دیگر با قواعد قدیمی پیش نمی‌رود و آینده، بیش از آنکه طراحی شود، در حال آزمون‌وخطاست. سیاست، اقتصاد و فناوری در هم تنیده شدند و جهانی ساختند که در آن «ثبات» مفهومی کمیاب و «پیش‌بینی‌پذیری» امتیازی لوکس بود.

در این سال، قدرت‌های بزرگ بیش از گذشته درگیر مسائل داخلی خود شدند و میدان برای خودنمایی بازیگران منطقه‌ای، اقتصادهای نوظهور و حتی فناوری‌های بی‌مرز بازتر شد. درحالی که روزهای پایانی سال ۲۰۲۵ میلادی را پشت‌سر می‌گذاریم، نگاهی اجمالی به مهم‌ترین اتفاقات و رویدادهای سیاسی، اقتصادی و فناوری این سال می‌تواند دیدی دقیق‌تر نسبت به سال پیش‌رو ارائه دهد.

در سال ۲۰۲۵ میلادی چند رویداد و تحول مهم اقتصادی در سطح جهانی رخ داد که چشم‌انداز اقتصاد جهان را تحت‌تاثیر قرار دادند. یکی از برجسته‌ترین روندها، تسهیل سیاست‌های پولی در سطح جهانی بود. در واکنش به کندی رشد اقتصادی و فشارهای تورمی، بانک‌های مرکزی بزرگ دنیا از جمله فدرال رزرو امریکا، بانک مرکزی اروپا و بانک انگلستان اقدام به کاهش گسترده نرخ‌های بهره کردند که بزرگ‌ترین موج کاهش از زمان بحران مالی ۲۰۰۸ محسوب می‌شود. این حرکت به‌منظور تقویت رشد اقتصادی و حمایت از بازارها انجام شد و در بسیاری از کشورهای نوظهور نیز کاهش نرخ‌ها به‌صورت چشمگیری ادامه یافت.

باوجود این سیاست‌های محرک، رشد اقتصادی جهانی ضعیف‌تر از سال‌های قبل بود و سازمان‌های بین‌المللی پیش‌بینی کردند که نرخ رشد در ۲۰۲۵ در سطح حدود ۲.۳ تا ۳.۲ درصد قرار گیرد؛ پایین‌ترین سطح رشد در دهه گذشته خارج از دوره‌های رکود شدید. عواملی مانند تنش‌های تجاری، نااطمینانی‌های سیاستی و کاهش تجارت بین‌الملل نیز به کاهش این رشد کمک کردند.

در زمینه تجارت جهانی و سیاست‌های تجاری هم تنش‌های قابل‌توجهی وجود داشت؛ از جمله شروع یک جنگ تجاری بین امریکا، کانادا و مکزیک که به تعرفه‌های جدید و اختلال در زنجیره‌های تامین انجامید، همچنین سازمان جهانی تجارت و دیگر نهادها درباره اثرات منفی افزایش تعرفه‌ها بر رشد و تجارت جهانی هشدار دادند.

تحولات منطقه‌ای نیز در ۲۰۲۵ تاثیرگذار بودند؛ برای مثال چین با یک طرح آزاد تجاری بزرگ در جزیره هاینان به ارزش بیش از ۱۱۳میلیارد دلار سعی کرد جذب سرمایه خارجی و ادغام بیشتر در زنجیره‌های عرضه جهانی را افزایش دهد، در حالی که کشورهایی مانند هند به یکی از بزرگ‌ترین اقتصادهای جهان تبدیل و رشد قابل‌توجهی را تجربه کردند.

به‌طورکلی، سال ۲۰۲۵ را می‌توان سال چالش‌های اقتصادی جهانی، واکنش‌های سیاست‌گذاران نسبت به رشد آهسته و تلاش برای حفظ توازن میان رشد، تورم و ثبات بازارها دانست.

در بعد سیاسی نیز در سال ۲۰۲۵ میلادی چندین رویداد سیاسی کلیدی در سطح جهانی رخ داد که به شکل‌گیری فضای ژئوپلتیک سال و پس از آن کمک کردند.

یکی از مهم‌ترین رویدادهای بین‌المللی، نشست سران گروه ۲۰ (G۲۰) در ژوهانسبورگ، افریقای جنوبی بود که با محور همکاری بین‌المللی، عدالت توسعه‌ای، پایداری زیست‌محیطی و کمک به کشورهای در حال توسعه برگزار شد.

در اروپا و در چارچوب همکاری‌های منطقه‌ای، نشست‌های اروپایی مهمی مانند اجلاس جامعه سیاسی اروپا (EPC) برگزار شد که دولت‌های اروپایی را برای بحث درباره امنیت، همکاری‌های سیاسی و تحولات پس از جنگ اوکراین گرد هم آورد. این اجلاس‌ها فرصتی بود برای تقویت پیوندهای اروپایی در شرایطی که چالش‌های امنیتی و اقتصادی منطقه ادامه دارد.

همچنین نشست ناتو در لاهه در ماه ژوئن ۲۰۲۵ برگزار شد که با تمرکز بر افزایش بودجه دفاعی و هماهنگی میان متحدان در برابر تهدیدات جدید امنیتی، نقش این اتحاد را در نظم دفاعی اروپا و فرااطلس برجسته کرد.

همچنین در افریقا و کشورهای در حال توسعه، انتخابات و تحولات سیاسی برجسته‌ای رخ داد؛ برای مثال در جمهوری افریقای مرکزی، انتخابات ریاست‌جمهوری و پارلمانی پایان سال با مخالفت‌ها و انتقاداتی درباره شفافیت مواجه بود؛ موضوعی که بازتاب‌دهنده فشارها و دخالت‌های قدرت‌های خارجی در سیاست داخلی برخی کشورها بود.

علاوه بر اتفاقات سیاسی و اقتصادی، حوزه فناوری نیز در این سال با تحولات شگرفی همراه بود، به‌طوری‌که در سال ۲۰۲۵ میلادی، حوزه فناوری یکی از پرتلاطم‌ترین و تحول‌آفرین‌ترین دوران خود را تجربه کرد.

رشد و بحران‌های مرتبط با هوش‌مصنوعی (AI) نخستین و بی‌گمان مهم‌ترین تحول در حوزه فناوری بود. سرمایه‌گذاری‌های عظیم شرکت‌های بزرگ مانند گوگل، مایکروسافت، Nvidia و OpenAI نشان داد که AI به هسته اقتصاد و استراتژی‌های فناوری تبدیل شده است و به‌عنوان نیروی محرکه اصلی نوآوری در صنایع مختلف شناخته می‌شود. در عین حال، نهادهای نظارتی و قانونی در سطح جهانی به‌ویژه در اتحادیه اروپا تلاش کردند نفوذ و قدرت غول‌های فناوری را با تدوین و اجرای قوانین جدید در حوزه‌های هوش‌مصنوعی، خدمات دیجیتال و بازارهای دیجیتال مهار کنند که بازتاب‌دهنده افزایش نگرانی‌ها درباره رقابت منصفانه، حفاظت از داده‌ها و حقوق مصرف‌کنندگان است. به‌طورکلی، در حوزه فناوری سال ۲۰۲۵ را می‌توان سال «تقارن نوآوری و چالش» در فناوری نامید.

در بعد سیاسی و اقتصادی، ۲۰۲۵ سالی بود که شکاف میان وعده‌ها و واقعیت‌ها آشکارتر شد؛ وعده رشد فراگیر، ثبات سیاسی و همکاری جهانی در مقابل تنش‌های ژئوپلتیک، بی‌اعتمادی عمومی و فشارهای معیشتی رنگ باخت. در بسیاری از کشورها، افکار عمومی جلوتر از سیاستمداران حرکت کرد و نارضایتی اجتماعی به بخشی از چشم‌انداز دائمی سیاست بدل شد.

از این منظر، ۲۰۲۵ نه نقطه پایان یک مسیر، بلکه آینه‌ای از جهانی در حال گذار بود؛ جهانی که هنوز نمی‌داند به‌سمت چندقطبی همکاری‌محور می‌رود یا چندقطبی پرتنش.

جهانی در قاب ۲۰۲۵

جهان در سال ۲۰۲۵ میلادی شاهد تحولات مهم و چندبعدی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، فناوری و اجتماعی بوده است که بسیاری از آنها می‌تواند جهت‌گیری آینده جهانی را دگرگون کند.

از نظر سیاست جهانی، یکی از برجسته‌ترین رویدادها اجلاس سران گروه ۲۰ (G۲۰) بود که در نوامبر ۲۰۲۵ در ژوهانسبورگ، افریقای‌جنوبی و برای نخستین‌بار این نشست مهم اقتصادی در قاره افریقا برگزار شد. این اجلاس با تمرکز بر «همبستگی، برابری و پایداری» تلاش کرد تا به چالش‌های اقتصاد جهانی، بدهی کشورهای کم‌درآمد و توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر پاسخ دهد، هرچند برخی از رهبران بزرگ جهان حضور نداشتند و اختلاف‌نظرهای ژئوپلتیکی نیز بخش‌هایی از مذاکرات را تحت‌تاثیر قرار داد. در عرصه اقتصاد جهانی، چشم‌اندازها همچنان تحت‌تاثیر سیاست‌های اقتصادی و تجاری کشورهای قدرتمند قرار گرفت و این روند هم همچنان ادامه دارد. به‌ویژه بازگشت دونالد ترامپ به ریاست‌جمهوری امریکا و افزایش تعرفه‌های تجاری در سال ۲۰۲۵ تاثیر قابل‌توجهی بر روابط تجاری جهانی داشته و باعث شده است تا کشورها به‌دنبال توافق‌های جدید در تجارت چندجانبه باشند، هرچند برخی تنش‌ها با چین ادامه دارد. همچنین نشست‌هایی مانند مجمع جهانی اقتصاد در داووس با موضوعاتی چون هوش‌مصنوعی، تغییرات اقلیمی، رشد اقتصادی و عدالت‌اجتماعی برگزار شد. در حوزه فناوری و نوآوری، سال ۲۰۲۵ با افزایش نقش هوش‌مصنوعی در اقتصاد و سیاست همراه بود؛ اجلاس اقدام در زمینه هوش‌مصنوعی در پاریس با مشارکت بیش از ۱۰۰ کشور برگزار شد و سرمایه‌گذاری‌های عظیمی در فناوری‌های هوش‌مصنوعی و زیرساخت‌های مرتبط با آن اعلام شد که نشان‌دهنده اهمیت استراتژیک این فناوری در رقابت‌های جهانی است. از منظر اجتماعی و سیاسی داخلی کشورها نیز جنبش‌های اعتراضی قابل‌توجهی رخ داده است. برای مثال در مراکش اعتراضات گسترده جوانان (تحت عنوان اعتراضات Gen Z) در پاسخ به نابرابری‌های اقتصادی، بیکاری و سرمایه‌گذاری‌های دولتی در پروژه‌های کلان برگزار شد که منجر به برخی اصلاحات و توجه بیشتر به خدمات عمومی شد. به‌طورکلی، سال ۲۰۲۵ سالی توصیف می‌شود که در آن چالش‌های اقتصادی، گرایش‌های جدید ژئوپلتیکی، تحول فناوری و خواسته‌های اجتماعی به موازات یکدیگر در حال شکل‌دادن به آینده جهان بوده‌اند و دیدگاه‌ها نسبت به همکاری جهانی، عدالت‌اجتماعی و توسعه پایدار در حال بازتعریف است.

با توجه به عبور از روزهای پایانی این سال پرچالش، پرونده این شماره صمت به مهم‌ترین اتفاقات سال ۲۰۲۵ میلادی با نگاهی به پیش‌بینی‌های موسسات بزرگ بین‌المللی درباره سال ۲۰۲۶ منتشر شده است.

مباحث کلیدی اقتصاد ۲۰۲۶

موسسه جی پی مورگان در جدیدترین گزارش خود به بررسی چشم‌انداز اقتصادی جهان و روابط میان کشورها در سال ۲۰۲۶ پرداخته است. در حال حاضر به‌نظر می‌رسد که جهان در حال فروپاشی ساختارهایی است که دهه‌ها نظم جهانی را شکل داده بودند. سیستم دلاری پسابرتون وودز که استاندارد مالی بین‌المللی را تعیین کرده بود، صلح پس از جنگ سرد که هزینه‌های دفاع و امنیت را کاهش و کشورها را به‌سمت توسعه اقتصادی سوق داده بود و جهانی‌سازی اقتصادی که بر کاهش هزینه زنجیره تامین تمرکز داشت تا حفاظت از اقتصاد ملی، اکنون در حال فروپاشی هستند. این تحولات نشان می‌دهد دوره‌ای که با این ۳ ویژگی شناخته می‌شد، به‌پایان رسیده و جهان وارد مرحله‌ای تازه شده است.

جدایی امریکا و چین

از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۹ میزان تجارت جهانی ۳برابر شده و از ۲۰درصد به ۶۰ درصد جهش کرد. همچنین مقدار سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اوج گرفت و تاثیر عمیقی بر بازارها و اقتصاد کشورهای مختلف از جمله تورم کمتر، سود حاشیه‌ای بیشتر و از بین رفتن شغل‌های تولیدی در بازارهای توسعه‌یافته گذاشت. با این حال، دولت ترامپ با وضع بیشترین تعرفه‌های یک‌طرفه قرن، در حال بر هم زدن این معادلات است. امروزه تعرفه‌ها نزدیک به ۷۰ درصد کالاهای وارداتی ایالات‌متحده را تحت‌تاثیر قرار می‌دهند و میزان تعرفه موثر به ۱۵ تا ۲۰ درصد می‌رسد.

کمرنگ شدن روابط میان ایالات‌متحده و چین از سال ۲۰۱۸ و همزمان با روی کار آمدن دولت ترامپ آغاز شد. داده‌ها نشان می‌دهند که سهم واردات ایالات‌متحده از چین، از ۲۲ درصد در سال ۲۰۱۷ به ۱۲ درصد در امسال رسیده است. همچنین سهم چین از اوراق خزانه ایالات‌متحده که در سال ۲۰۱۰ به اوج ۱۴درصدی خود رسیده بود، امروزه به تنها ۶ درصد کاهش یافته است.

همان‌طور که سیاست‌های تجاری در حال شفاف‌تر شدن هستند، تجارت امریکای شمالی در حال جان گرفتن است. افزایش تعرفه‌ها بر کانادا و مکزیک بسیار کمتر از کشورهای دیگر به‌ویژه چین است.

امریکای شمالی متحد می‌شود

اگرچه روابط میان امریکا با دومین اقتصاد بزرگ جهان بسیار کمرنگ شده، در مقابل تجارت با کشورهای امریکای شمالی در حال جان گرفتن است. تعرفه‌های وضع‌شده بر کشورهایی چون کانادا و مکزیک به‌مراتب کمتر از تعرفه موثر ۲۰ درصدی چین است.

برای نمونه، امروزه کالاهایی که تحت توافق تجاری ایالات‌متحده ـ مکزیک ـ کانادا (USMCA) قرار دارند، از تعرفه معاف هستند. همچنین دولت ترامپ با ترفندهای گوناگون مکزیک و کانادا را تشویق به بستن خلأهای مربوط به مسیرهای باربری و حمل‌ونقل می‌کند. در همین راستا، مکزیک اخیرا اعلام کرده است که قصد دارد تعرفه ۵۰ درصدی بر خودروهای چینی اعمال کند.

کانادا نیز هم‌اکنون بر خودروهای برقی، فولاد و آلومینیوم چینی عوارض اضافی اعمال می‌کند. در حال حاضر به‌نظر می‌رسد کانادا در حال تلاش برای استفاده از مزیت‌های خود در حوزه انرژی و منابع‌طبیعی برای دستیابی به یک توافق تجاری مطلوب با ایالات‌متحده است. مکزیک نیز به‌دلیل مزیت رقابتی خود در زمینه بهینه‌سازی هزینه‌ها و نزدیکی به بازار ایالات‌متحده، می‌تواند به یکی از مقاصد اصلی سرمایه‌گذاری خارجی تبدیل شود.

خلاقیت درونی چین

چین به‌عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، در مرکز تحولات جدید سیاست‌های تجاری جهانی قرار دارد. اگرچه دولت چین در حال افزایش نفوذ ژئوپلتیک و اقتصادی خود است، با این حال میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در چین برای نخستین‌بار در دهه‌های اخیر منفی شده است. همچنین باوجود کاهش صادرات چین به امریکا، مازاد تجاری این کشور به رکوردهای تاریخی رسیده است. این موضوع نشان‌دهنده تداوم وابستگی چین به صادرات مازاد ظرفیت تولیدی خود برای جبران ضعف رشد در بازار داخلی است.

در این راستا از سال ۲۰۲۳، آسیای جنوب‌شرقی به بزرگ‌ترین بازار صادراتی چین تبدیل شد و جای امریکا و اروپا را گرفت. با این حال، برخلاف رشد صادرات، سودآوری شرکت‌ها افزایش نیافته و این عدم‌توازن همچنان یک چالش جدی برای اقتصاد چین محسوب می‌شود. تحلیلگران معتقدند؛ این مسئله کماکان چالشی جدی در سال ۲۰۲۶ خواهد بود. علاوه بر این، عقیده رایج این است که تغییر مسیر تجارت می‌تواند اقتصادهای جنوب شرق آسیا را از طریق سرمایه‌گذاری خارجی، ایجاد شغل و انتقال فناوری تقویت کند، اما واقعیت کمی پیچیده‌تر است.

فناوری اژدهای سرخ

باوجود تمام مشکلاتی که چینی‌ها با آن دست و پنجه نرم می‌کنند، بخش فناوری هنوز مهم‌ترین صنعت برای سرمایه‌گذاری در چین محسوب می‌شود. امسال امریکا صادرات چیپ‌های پیشرفته به چین را محدود کرده و این محدودیت موجب شده است که چین قدم‌های جدی در راستای توسعه ظرفیت داخلی خود بردارد. برای نمونه شرکت‌های چینی با بهره‌گیری از مدل‌های کارآمد هوش‌مصنوعی، پلتفرم‌های محبوب مصرف‌کننده و تولید بهینه سخت‌افزار خودروهای برقی، بازدهی بالایی ایجاد کرده و زمینه رشد آینده را فراهم می‌کنند. در همین راستا چین به‌تازگی استفاده از چیپ‌های انویدیا را ممنوع کرده است. پیام ضمنی این تصمیم این است که چیپ‌های داخلی چین الان به‌اندازه کافی خوب هستند و توانایی آموزش مدل‌های هوش‌مصنوعی بزرگ (LLM) را دارند.

داده‌های بورسی نیز مهر تاییدی بر این مسئله می‌زنند. در یک سال گذشته شاخص فناوری چین ۵ درصد بهتر از شاخص نزدیک امریکا عمل کرده است. با این حال در ۵ سال گذشته، کل بازار سهام چین تقریبا بدون رشد بوده، چراکه رشد تولید ناخالص داخلی چین به ترازنامه شرکت‌ها منتقل نشده است. این موضوع نشان می‌دهد که فرصت‌های سرمایه‌گذاری در چین در حال تغییر هستند. برای نمونه از سال ۲۰۲۴، اقتصاد دیجیتال چین درآمد بیشتری نسبت به بخش املاک و ساخت‌وساز ایجاد کرده و انتظار می‌رود این روند ادامه یابد.

قاره سبز در مسیر جنگ؟

پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، جهان توانست از آنچه «سود صلح» نامیده می‌شد، بهره‌مند شود. از سال ۱۹۹۲ تا ۲۰۲۲، تولید تانک در اروپا ۷۷ درصد، هواپیماهای جنگنده ۵۷ درصد، کشتی‌ها ۳۹ درصد و زیردریایی‌ها ۴۷ درصد کاهش یافت. در همین دوره، کاربرد فناوری‌هایی مانند اینترنت و GPS از نظامی به استفاده‌های تجاری تغییر کرد. همچنین اروپای مرکزی و شرقی توانست حجم قابل‌توجهی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را جذب کند و زنجیره‌های تامین جهانی و بازارهای سرمایه عمیق‌تر شدند.

با این حال، جنگ میان روسیه و اوکراین این تعادل را بر هم زد. در سراسر اروپا، سیاست‌ها در حال تغییر هستند. دولت آلمان با فاصله گرفتن از رویکرد پس از جنگ خود، از یک بسته عظیم محرک مالی رونمایی کرده است. ناتو اهداف بالاتری برای هزینه‌های دفاعی تعیین کرده (حدود ۳.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی کشورهای عضو) و علاوه بر آن حدود ۱.۵ درصد از تولید ناخالص داخلی نیز برای زیرساخت‌های مرتبط با دفاع در نظر گرفته شده است. کاخ سفید نیز درخواست بودجه دفاعی یک تریلیون دلاری برای سال ۲۰۲۶ ارائه کرده است که نشان می‌دهد موج تجدید تسلیحات صرفا محدود به قاره سبز نیست.

راهبرد صنعت دفاع اروپا اهدافی برای تامین تجهیزات تعیین کرده که براساس آن، تا سال ۲۰۳۰، نیمی از خریدها باید از پایگاه فناورانه و صنعتی دفاعی اروپا (EDTIB) انجام شود و این سهم تا سال ۲۰۳۵ به ۶۰ درصد افزایش یابد. تولیدکنندگان از هم‌اکنون در حال افزایش ظرفیت خود هستند. این تحولات انتظارات سرمایه‌گذاران را بالا برده است، به‌گونه‌ای‌که سبدی از شرکت‌های دفاعی اروپایی در فاصله سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴ رشد سودی با نرخ مرکب سالانه ۷ درصد داشته‌اند. همچنین وال‌استریت انتظار دارد این رشد تا پایان دهه به ۲۰ درصد برسد. علاوه بر صنعت دفاعی، دیگر صنایع نیز عملکرد قابل‌قبولی داشته‌اند.

شرکت‌های صنعتی اروپا به‌لطف گسترش هوش‌مصنوعی و افزایش سرمایه‌گذاری در مراکز داده رشد قابل‌توجهی را تجربه کردند. این روند، تقاضا برای کالاهای سرمایه‌ای، تجهیزات الکتریکی و انرژی را نیز افزایش داده است. آلمان به‌عنوان یکی از بازارهای کلیدی اروپا شناخته می‌شود. بسته بزرگ هزینه‌کرد زیرساختی این کشور می‌تواند محرکی برای رشد اقتصاد آلمان و کل منطقه باشد. هرچند اجرای این برنامه‌ها کمی کند بوده است، اما انتظار می‌رود در نهایت از رشد اقتصادی و سودآوری شرکت‌های آلمانی حمایت کند و سرمایه‌گذاران صبور را در سال آینده پاداش دهد.

بازارهای خصوصی اروپا نیز فرصت‌های فراوانی ارائه می‌کنند که اغلب توسط سرمایه‌گذاران جهانی نادیده گرفته می‌شوند. داده‌ها نشان می‌دهد که ۹۷ درصد از شرکت‌های اروپایی با درآمد بیش از ۱۰۰ میلیون یورو، خصوصی هستند. این در حالی است که این رقم در ایالات‌متحده ۸۷ درصد است. به‌عبارتی شرکت‌های خصوصی نقش غالبی در اقتصاد اروپا دارند.

جایگاه امریکای جنوبی

در جهانی که با اختلافات و رقابت بر سر منابع دست و پنجه نرم می‌کند، امریکای جنوبی بازیگری مهم محسوب می‌شود. این منطقه مالک بسیاری از نهاده‌های حیاتی است که اقتصاد جهانی و به‌ویژه صنعت هوش‌مصنوعی، به آنها وابسته است. باتوجه به گسترش تنوع زنجیره‌های تامین جهانی و اهمیت بیشتر امنیت در روابط تجاری، کشورهای امریکای جنوبی همزمان با ایالات‌متحده و چین تجارت می‌کنند. این امر برای بسیاری از کشورها ناممکن به‌نظر می‌رسد. بیشتر این کشورها در تجارت با امریکا کسری تجاری دارند و چین به شریک تجاری اصلی بسیاری از آنها تبدیل شده است.

دلیل این رویکرد این است که امریکای جنوبی منابع حیاتی موردنیاز اقتصاد جهانی را در اختیار دارد. این منطقه ۴۰ درصد از تولید جهانی مس و ۳۸ درصد از ذخایر جهانی آن را به خود اختصاص داده است. شیلی به‌تنهایی ۲۷ درصد از مس جهان را تولید می‌کند. پرو بزرگ‌ترین ذخایر نقره جهان را دارد و مکزیک بزرگ‌ترین تولیدکننده نقره است.

در حوزه لیتیوم، شیلی و آرژانتین به‌ترتیب رتبه‌های اول و سوم جهان را از نظر ذخایر اقتصادی قابل‌استخراج دارند. همچنین ونزوئلا بزرگ‌ترین ذخایر اثبات‌شده نفت جهان را در اختیار دارد. اگرچه برزیل ذخایر کمتری دارد، اما بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت در امریکای لاتین و دومین تولیدکننده و صادرکننده سنگ‌آهن جهان است. برزیل همچنین صادرکننده مهم محصولات کشاورزی مانند سویا، قهوه، شکر و گوشت گاو و نیز مواد معدنی حیاتی مانند آلومینیوم، نیکل و منگنز به‌شمار می‌رود.

در جست‌وجوی امنیت انرژی

مسائل و سیاست‌گذاری‌های مربوط به انرژی یکی از مهم‌ترین اقدامات دولت‌ها در سال ۲۰۲۶ خواهند بود. پس از تهاجم روسیه به اوکراین، اروپا به‌سرعت از وابستگی طولانی‌مدت خود به گاز روسیه فاصله گرفت و اقدام به افزایش واردات گاز طبیعی مایع کرد. در این راستا اتحادیه اروپا متعهد شده است که تا سال ۲۰۲۸ حدود ۷۵۰ میلیارد دلار انرژی از ایالات‌متحده خریداری کند و به‌نظر می‌رسد در مسیر ممنوعیت کامل واردات انرژی از روسیه حرکت می‌کند. ژاپن نیز احتمالا به‌طورفزاینده‌ای به ایالات‌متحده روی خواهد آورد تا وابستگی خود به گاز روسیه را جایگزین کند.

باتوجه به اینکه LNG به‌مراتب گران‌تر از گاز طبیعی روسیه است، به‌نظر می‌رسد که سیاست‌گذاران اروپایی اکنون امنیت را بر هزینه ترجیح می‌دهند و این روند در سال ۲۰۲۶ نیز ادامه خواهد داشت. سرمایه‌گذاران باید پیامدهای این تغییر را به‌دقت زیر نظر بگیرند. در مقابل، ایالات‌متحده و چین از نظر هزینه برق نسبت به بسیاری از اقتصادهای دیگر مزیت آشکاری دارند.

برای افزایش تاب‌آوری، اروپا همچنین در حال ایمن‌سازی اتصال‌های حیاتی شبکه انرژی است؛ با این حال مانند گذشته نقشه جریان‌های جهانی انرژی همچنان در نقاط گلوگاهی آسیب‌پذیر باقی می‌ماند. تنگه هرمز که حدود یک‌پنجم نفت جهان و بخش قابل‌توجهی از LNG جهانی از آن عبور می‌کند، یکی از شناخته‌شده‌ترین این ریسک‌ها است. کشورهای خاورمیانه و امریکای شمالی در موقعیت مناسبی قرار دارند تا عرضه انرژی خود به اقتصاد جهانی را افزایش دهند.

فراتر از منابع آشکار نفت و گاز طبیعی، شورای همکاری خلیج‌فارس (متشکل از بحرین، کویت، عمان، قطر، عربستان‌سعودی و امارات‌متحده‌عربی) می‌تواند شبکه انرژی منطقه‌ای خود را به یک بزرگراه برق‌رسانی گسترش دهد تا پاسخگوی تقاضای اروپا باشد. در حال حاضر، بسیاری از کشورهای اروپا و آسیا به‌طورکامل به واردات گاز طبیعی وابسته هستند. این وفور منابع به‌ویژه در شرایطی اهمیت دارد که انقلاب هوش‌مصنوعی تقاضا برای برق و نیمه‌هادی‌ها را به‌سرعت افزایش می‌دهد و نیاز به مواد معدنی حیاتی را بالا می‌برد.

سرنوشت دلار

بازتعریف روابط جهانی احتمالا پیامدهای اقتصادی و بازاری گسترده‌ای خواهد داشت، اما نقش دلار امریکا به‌عنوان ارز ذخیره جهانی را تغییر نخواهد داد. داده‌ها نشان می‌دهند که دلار همچنان نزدیک به ۶۰ درصد از ذخایر ارزی اعلام‌شده بانک‌های مرکزی، نیمی از پرداخت‌های سوئیفت و ۹۰ درصد از کل معاملات ارزی جهان را تشکیل می‌دهد. به‌عبارتی ارز امریکا همچنان سیستم‌عامل مالی جهان است و جایگاه آن امن باقی می‌ماند.

با این حال، سرمایه‌گذاران بنا به دلایل مختلفی همچنان به‌دنبال جایگزینی برای دلار هستند. نخست اینکه ابزاری شدن دلار در منازعات ژئوپلتیک انگیزه تنوع‌بخشی را افزایش می‌دهد. برای نمونه در واکنش به حمله روسیه، متحدان غربی اوکراین حدود ۳۰۰ میلیارد دلار از ذخایر دلاری روسیه را مسدود کردند. در پی این اقدام، بانک‌های مرکزی جهان برای یافتن جایگزین‌های مستقل از دلار (که در زمان درگیری‌ها در معرض تحریم نباشند)، مقادیر بی‌سابقه‌ای طلا خریداری کردند. نرخ طلا در سال ۲۰۲۵ بیش از ۵۰ درصد افزایش یافته و به بالاترین سطح تاریخی خود رسیده است.

با ادامه جست‌وجو برای جایگزین‌های دلار، این روند می‌تواند حمایت قدرتمند و پایداری برای نرخ طلا ایجاد کند. اما انتظار می‌رود این فلز گران‌بها در سال ۲۰۲۶ نیز رالی قابل‌توجه دیگری را تجربه کند.

دوم اینکه شاهد رقابت گزینه‌های نوظهور مانند ارزهای دیجیتال با دلار هستیم. ارزش بازار ارزهای دیجیتال اکنون از ۴ تریلیون دلار فراتر رفته است، درحالی‌که این رقم در ابتدای سال ۲۰۲۴ حدود ۲ تریلیون دلار بود. سرمایه‌گذارانی که به ارزهای دیجیتال به‌عنوان ذخیره بالقوه ارزش نگاه می‌کنند، اکنون در ایالات‌متحده با محیط مقرراتی مساعدتری روبه‌رو هستند. این مسئله موجب می‌شود در سال ۲۰۲۶ این بازار نیز از رونق نسبی برخوردار شود.